



نادر پیمایی

دیدگاه ...

علت وقوع فاجعه ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ چه بود؟! (۱)

جهت ایجاد روابط بسیار نزدیک با دولت آلمان هرگز نیکشید. همین علت پرونده قطوری علیه رضاشاه را ساختند و در شهر بورماه سال ۱۳۲۰ برابر با آگست ۱۹۴۱ او را مجبور به استعفا از سلطنت کرده و به بدترین وضع با او رفتار نمودند حتی موافق سلطنت رسیدن محمدرضاشاه هم نبودند.

شوریه‌ها به شروع جنگ دوم جهانی و تصرف ایران از طرف دول روس و انگلیس و خروج رضاشاه از ایران، تمام ساخته و پرداخته های آن امرمدارزین رفت و ایامتوقف شد. قحطی و بیماری، فقر و بیکاری و ناامنی تمام ایران را فرا گرفت، دولت اتحاد جماهیر شوروی (روسیه امروز) بایر با کردن حزب کمونیست توده و تجزیه دو استان آذربایجان و کردستان نه تنها خواهان امتیاز نفت شمال، بلکه در تصرف تمام ایران بود، دول غرب در رأس آنها آمریکا به حمایت از ایران برخاستند، دنیا از لحاظ ایدئولوژی و سیاسی و اقتصادی به دو بخش تقسیم گردید، بخش شرقی شامل (شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی تحت تسلط او) و بخش غربی شامل (آمریکا - انگلستان - فرانسه - کانادا و بیشتر کشورهای اروپای غربی و همچنین ایران).

* کشور استعمار و استثمارگر انگلیس که از سال ۱۹۰۱ صاحب منابع نفتی ایران شده بود و عملاً برای ایران حق و سهمی قابل نبود، با وجود اینکه ایران در جنگ دوم جهانی متحمل خسارات بزرگ جانی و مالی شده و احتیاج مبرمی برای بدست آوردن حق خود از عواند نفت داشت، با تمام تلاشی که از طرف دولت ایران به عمل آمد متأسفانه انگلستان حاضر به دادن حق ایران نشد، تا اینکه با جنبش ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق و پانتهیانی محمدرضاشاه پهلوی صنایع نفت ایران در تاریخ بیست و نهم اسفند ۱۳۲۹ برابر با نوزدهم مارچ ۱۹۵۱ ملی شد.

* بعد از بیست و هشتم امرداد ۱۳۳۲ برابر با هیجدهم آگست ۱۹۵۳ و مشارکت شرکت های نفتی آمریکا در نفت ایران و شدت پیدا کردن جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب ایران با تجهیز توسعه ارتش، ارتش ایران بعد از اتحاد جماهیر و ترکیه، ارتش نیرومند در منطقه بود) ، همچنین با گذشت زمان و افزایش صدور نفت، درآمد ایران افزایش یافت و توانست در رشته های از قبیل توسعه راه ها و راه آهن، ایجاد فرودگاه های بین المللی و نظامی، بنادر و کشتیرانی، ایجاد دانشگاه ها، توسعه بهداشت و درمانگاه ها و بیمارستان ها، سواد آموزی و تغذیه رایگان، سد سازی و آبیاری، تشکیل شرکت های تعاونی و زراعی برای مکانیزه کردن کشاورزی و حمایت از کشاورزان، سهم شدن کارگران در سود کارخانجات، توسعه بیمه های درمانی و بازنشستگی، آزادی زنان و داشتن حقوق مساوی با مردان برای انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمام امور کشور، ایجاد صنایع پتروشیمی و ماشین سازی و پالایشگاه های نفت و بنزین در نقاط مختلف کشور، لوله کشی گاز و نفت به اکثر مناطق ایران، تأسیس نیروگاه های آبی و حرارتی و توزیع برق از طریق شبکه سراسری به تمام شهرستان ها، ایجاد تأسیسات آب و فاضلاب برای شهرها، توسعه استخراج منابع زیر زمینی مثل مس و سنگ آهن و غیره و ایجاد صنایع وابسته و توسعه تولیدات صنعتی از قبیل لوازم خانگی، اتوموبیل، تراکتور و صدور آن به خارج و صد ها صنایع و فرآورده های دیگر.

چنین توسعه و پیشرفتی نه تنها مورد حسد کشورهای مجاور از قبیل پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق و کشورهای عربی ساحل خلیج فارس بود، بلکه بعلمت و وسعت خاک و کثرت جمعیت و ثروت زیاد، توسعه نظامی و اقتصادی و اجتماعی ایران در منطقه برای اسرائیل قابل تحمل نبود و مخصوصاً نفوذ ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) برای انگلستان در خاور میانه موجب نگرانی بسیار زیادی گردید.

محمدرضاشاه هم از نظر انگلستان مرتکب دوگناه نابخشودنی گردید:

- ۱- پشتیبانی از ملی شدن نفت
- ۲- سهم شدن آمریکا در نفت ایران و ایجاد روابط بسیار نزدیک سیاسی و نظامی و اقتصادی با دولت آمریکا

با توجه به تحولات و انقلاباتی که طی چند قرن اخیر در نقاط مختلف جهان به وقوع پیوسته معلوم گردیده که انقلابات تحت شرایط زیر بوجود می آید: به دلایل وضع خراب داخلی مخصوصاً از لحاظ اقتصادی و اجتماعی (فقر و بیکاری، گرانی و تورم، عدم امنیت فردی و اجتماعی و فساد اداری و ...) بطوری که مردم به سئوه آمده برای از بین بردن اوضاع غیر قابل تحمل بخواسته و در جهت اصلاح و پاتغییر نظام حاکم و برکناری مستولان خاطی، نظام جدیدی را جایگزین نظام فاسد و نالایق قبلی می کنند.

چنین تغییر بنیادی که دگرگونی و پانقلاب نامیده شده و به دوصورت انجام می شود: بوسیله عوامل داخلی - به علت وجود شدت فکری و داشتن فرهنگ اجتماعی و افراد روشنفکر و نیک اندیش در جامعه، تغییر نظام و پایه اصطلاح انقلاب بوسیله خود مردم آن کشور بدون دخالت هر نوع نیروی خارجی انجام و هر نوع سرکشی و خرابکاری بزودی مهار شده و یا کمترین ضرر مالی و جانی امنیت و آرامش برقرار و جامعه زندگی خود را برای ساختن فردای بهتر شروع میکند، نظایر ابتکار در کشورهای آفریقای جنوبی، آرژانتین، لهستان و چکسلواکی (چک + اسلواک) و غیره دیده شده. در چنین حالتی ممکن است که با وجود افراد فرصت طلب و استفاده جو و یا اختلافات قومی ناپسامانی هائی بوجود بیاید، چون اکثریت مردم خواهان آرامش و اصلاحات هستند، با وجود رهبران یا تدبیر و خیر اندیش بزودی از این ناپسامانی ها جلوگیری می شود. این منطقی ترین و سالمترین نوع اصلاح و پاتغییر نظام است. بوسیله عوامل خارجی - به علت وجود شرایط خاصی در یک کشور از نظر سیاسی و جغرافیائی و اقتصادی، منافع دول بیگانه اقتضا، میکند که پنهان و یا آشکار با مشارکت هم و یا با رقابت با هم دست به اقدامات تخریبی و تشعیفی علیه آن کشور بزنند و در رسیدن به اهداف خود با استفاده از عوامل خود و همدستی با نیروهای ناراضی و پامفرض و محزب و اجیر کردن عده ای ماجراجو انقلاب به پا بکنند!!

این درست آن چیزی بود که در تاریخ بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ برابر با دهم فوریه ۱۹۷۹ در کشور ما اتفاق افتاد.

حال ببینیم در سال ۵۷ ایران دارای شرایطی بود که چون اصلاح پذیر نبود حتماً باید انقلاب صورت میگرفت؟! *

بنابه دلایل زیر شرایط و وضعیت ایران با مقایسه با اکثر کشورهای هم طراز دارای چنان اوضاع و شرایط بد و بحرانی نبود که منجر به چنان انقلاب خونین بشود، زیرا:

* در پیشرفته ترین و مترقی ترین کشورها هم نواقص وجود دارد، ایران نیز از این امر مستثنی نبود؛ ولی برای رفع نواقص احتیاج به اصلاحات بود، نه انقلاب قهرآمیز و خون آلود!!

* کشورهای مرفه و متمدن امروز که قرن ها فاقد آزادی و آرامش بودند، سال ها با همبستگی و همکاری و با فهم و شعور و علم و دانش با زحمت و جانفشانی توانسته اند مشکلات خود را برطرف کنند، نه با سوزاندن و تخریب و کشتار!

* بنابه شواهد و آثار و اوستاد موجود، ۱۴۰۰ سال قبل با هجوم تازیان به ایران تمام هست و نیست ایران غارت و یا با خاک یکسان گردید، از آن تاریخ تا ظهور رضاشاه بزرگ کشور ایران قطعه قطعه شد و از استقلال و آبادی و امنیت خبری نبود، این رضاشاه بود که کشور از بین رفته و ملت فقیر و ناتوان از پانفاده را که قرن ها از قافله تمدن و صنعت و علم و دانش عقب مانده بود نجات داد و ظرف مد کمتر از دو دهه معجزه ه آسایه کشور و ملت ایران جان تازه ای بخشید، بدیهی است که هیچکدام از اقدامات و خدمات رضاشاه بزرگ از قبیل تشکیل ارتش نوین و حفظ استقلال و تأمین امنیت، الحاق خوزستان از دست رفته به ایران، توسعه مدارس و ایجاد دانشگاه، آزادی زنان، محدود کردن دخالت آخوند ها در امور کشور (که همیشه مزدور و عامل انگلستان بودند) و ادعای حق حاکمیت در بحرین و چندین جزیره در خلیج فارس و مخصوصاً پافشاری برای وصول حق و سهم ایران از نفت و ... نمی توانست مورد قبول انگلستان باشد، انگلستان رضاشاه را بخاطر باز پس گرفتن خوزستان، مطالبه حق ایران از بابت فرو ش نفت، ادعای مالکیت بحرین و چند جزیره در خلیج فارس، مخصوصاً به

ادامه این مطلب فردا در صفحه ۱۱